



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
 تاریخ: ۲۸ آبان ۱۴۰۳
 موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - مصادف با: ۱۶ جمادی الاولی ۱۴۴۶
 آیه نبأ - بررسی استدلال به مفهوم شرط - پاسخ محقق خراسانی به شیخ انصاری - بررسی پاسخ محقق خراسانی - اشکال امام خمینی به محقق خراسانی
 سال شانزدهم
 جلسه: ۳۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در استدلال به آیه نبأ از طریق مفهوم شرط برای حجیت خبر واحد بود. ما کلام شیخ انصاری پیرامون مفهوم شرط در این آیه را بیان کردیم و اشکالی که خود شیخ انصاری به این بیان داشتند ذکر شد. شیخ انصاری به گونه‌ای مفهوم شرط را بیان کردند که آن اشکال قهراً طرح می‌شد ولی محقق خراسانی می‌فرماید ایشان موضوع را به گونه‌ای مطرح کرده که در ناحیه مفهوم دچار مشکل شدند.

شیخ انصاری موضوع را در منطوق آیه نبأ خبر فاسق دانستند. ایشان فرمود «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» ظاهرش این است که موضوع عبارت است از خبر فاسق، حکم عبارت از وجوب تبیین از خبر فاسق است، شرط هم مجئ الخبر. این سه که کنار هم قرار می‌گیرد کأنه منطوق آیه این را می‌خواهد بگوید که اگر فرد فاسقی برای شما خبری آورد درباره آن خبر تحقیق کنید، بر این اساس مفهوم آیه این است که اگر فاسق برای شما خبری نیاورد تبیین لازم نیست.

ایشان اشکال کرد که اگر فاسق خبری نیاورد دیگر اصلاً موضوع محقق نیست، یعنی خبری وجود ندارد تا درباره آن تحقیق شود. این مثل ان «رزقت ولدا فاختنه» می‌ماند. اگر خداوند به تو ولدی ندهد دیگر ختنه لازم نیست زیرا سالبه به انتفاء موضوع است. لذا ایشان فرمود در این قبیل قضایا که شرط محقق موضوع است جمله شرطیه مفهوم ندارد. لذا ایشان نسبت به استدلال به مفهوم شرط در این آیه اشکال کرد.

در ادامه شیخ انصاری فرمود که اگر کسی بگوید یک مصداق دیگر نیز برای مفهوم می‌توان بیان کرد و آن اینکه اگر عادل خبری برای شما آورد، تبیین و تحقیق لازم نیست، این درست نیست چون این حرف در صورتی قابل طرح است که موضوع در آیه خبر عادل باشد، اینجا این قضیه‌ای که شما به عنوان مفهوم بیان می‌کنید موضوعش با قضیه منطوقیه آیه متفاوت است. اگر موضوع در منطوق، خبر فاسق است در مفهوم نیز باید همین موضوع باشد، آنچه شما به عنوان مفهوم ذکر می‌کنید اصلاً با قضیه منطوقیه از حیث موضوع متفاوت است، لذا نمی‌تواند این مفهوم آن آیه باشد، مفهوم آیه همان است که گفته شد که اگر فاسق خبری نیاورد تبیین لازم نیست، یعنی موضوع کاملاً منتفی است می‌شود مثل «ان رزقت ولدا فاختنه».

پاسخ محقق خراسانی به شیخ انصاری

محقق خراسانی به شیخ انصاری دو پاسخ داده است.

شما موضوع را به گونه‌ای در نظر گرفتید که مواجه با این اشکال شدید، در حالی که موضوع در آیه اصلا خبر فاسق نیست، بلکه موضوع در آیه طبیعۃ النبأ، طبیعۃ الخبر یا مطلق النبأ است. حکم، وجوب تبیین و شرط نیز این است که فاسق خبر بیاورد. یعنی کانه آیه با این موضوع و حکم و شرطی که محقق خراسانی تصویر کردند اینطور می‌شود «يجب التبیین عن طبیعۃ النبأ ان كان الجائی به هو الفاسق» تبیین از خبر در صورتی که آورنده آن فاسق باشد واجب است، اگر فاسق خبر آورد درباره‌اش تحقیق کنید و همینطوری قبول نکنید. پس منطوق آیه این است: خبری که به شما می‌رسد اگر فاسق آن را بیان ننموده باشد تفحص و تبیین درباره آن لازم است. مفهوم آیه هم این است که خبری که به شما می‌رسد اگر فاسق آن را بیان ننموده باشد تفحص و تبیین درباره آن لازم نیست. حال اینکه فاسق آن خبر را نیاورده باشد، مقابلش یک احتمال دیگری هم هست، و آن اینکه عادل این خبر را برای شما آورده باشد.

به عبارت دیگر طبیعۃ النبأ دو حالت دارد، یکی الجائی به هو الفاسق و دیگری الجائی به هو العادل، پس موضوع به گونه‌ای است که دو حالت می‌شود برای آن فرض کرد و موضوع در هر دو حالت باقی است مثلاً می‌گوید «ان جائك زيد فاکرمه» اگر زید آمد او را اکرام کن، اینجا الان زید موضوع است، وجوب اکرام محمول و حکم است و مجئی زید می‌شود شرط. حال اگر مجئی زید منتفی شد زید هم منتفی می‌شود؟ خیر؛ یک فرض دیگر هم این است که زید باقی است ولی مجئی او تحقق پیدا نکرده باشد، اگر مثلاً بگویند «ان جائك زيد فاکرمه» معنایش این است که ان لم یجئک فلا یجب اکرامه اما این معنایش این نیست که زید هم منتفی شود، زید باقی است، منتهی دو حالت دارد حالة المجئی و حالة عدم المجئی. اینجا نیز دقیقاً همینطور است، ما یک طبیعۃ النبأ داریم که موضوع است، یک حکم داریم که عبارت از لزوم تفحص و جستجو است، یک شرط داریم و آن مجئی الفاسق بالنبأ است، «ان جاءکُم فاسقٌ نبیاً فتبیینوا» این سه عنصر را در خود دارد. طبیعۃ النبأ، فرض این است که وجود دارد، منتهی دو حالت دارد مجئی الفاسق به و مجئی العادل به، زیرا فرض این است که فاسق و عادل هم ضدان هستند، بالاخره کسی که خبر می‌آورد یا فاسق است و یا عادل، دو حالت برایش متصور است در یک حالت حکم ثابت است و در حالت دیگر ثابت نیست. اگر ما موضوع را طبیعۃ النبأ بدانیم یا مطلق النبأ یا مطلق الخبر، و مجئی الفاسق را به عنوان یک شرط که یک حالت برای خبر است، پس در ناحیه مفهوم وقتی این شرط منتفی می‌شود، یعنی آن فرض و حالت دیگر وجود دارد و آن هم مجئی العادل بالنبأ و الخبر است. پس چرا شیخ انصاری می‌گویند ما نمی‌توانیم به مفهوم شرط در این آیه استدلال کنیم؟

دقت کنید این همه، بر فرض این است که ما کبرای حجیت مفهوم شرط را قبول کنیم. ممکن است یک نفر در کبری داشته باشد دارد که اینیک بحث دیگر است. از اول هم گفتیم اینکه آقایان بحث می‌کنند که این آیه مفهوم شرط دارد یا خیر؟ در واقع یک بحث صغروی است. با فرض اینکه از کبری فارغ شویم و حجیت مفهوم شرط را قبول کنیم بحث این است که این آیه مفهوم دارد یا خیر؟ شیخ انصاری می‌گوید ندارد، اصلاً صغرویا این آیه مفهوم ندارد، زیرا هر قضیه‌ای که در آن شرط محقق موضوع باشد مفهوم ندارد و اینجا در این آیه شرط محقق موضوع است. محقق خراسانی با شیخ انصاری مخالفت کردند و می‌گویند خیر، شرط در این آیه محقق موضوع نیست، زیرا اصلاً شیخ انصاری موضوع را چیز دیگری فرض کردند، موضوع را ایشان خبر الفاسق گرفتند در حالیکه موضوع طبیعۃ الخبر و طبیعۃ النبأ است، اگر این باشد، این شرط، شرط محقق موضوع نیست، موضوع فارغ از این شرط تحقق

دارد، منتهی دو حالت برایش تصویر است در یک حالت حکم برایش ثابت است و در یک حالت حکم برای آن ثابت نیست و این معنای مفهوم است.

پاسخ دوم

اصلا به چه دلیل شما می‌فرمایید اگر شرط محقق موضوع باشد مفهوم ندارد؟ یعنی اصل مبنای شیخ انصاری را زیر سوال می‌برد. می‌فرماید سلمنا این شرط، شرط محقق موضوع باشد، اما شرط محقق موضوع نیز مفهوم دارد، یعنی به اصل مبنا اشکال می‌کند، این را محقق خراسانی با این عبارت فرموده: «مع أنه يمكن أن يقال: إن القضية لو كانت مسوقة لذلك» ولو اینکه این قضیه برای بیان موضوع گفته شده باشد، یعنی شرط این جمله محقق موضوع حکم باشد، «إلا أنها ظاهرة في انحصار موضوع وجوب التبيين في النبأ الذي جاء به الفاسق، فيقتضي انتفاء وجوب التبيين عند انتفائه و وجود موضوع آخر، فتدبر» حتی اگر ما همانگونه که شیخ انصاری فرموده موضوع در منطوق آیه را مطلق الخبر ندانیم، بلکه بگوییم موضوع عبارت است از خبر فاسق، و همانگونه که شیخ انصاری گفتند این قضیه شرطیه برای بیان تحقق موضوع باشد، یعنی از قبیل «ان رزقت ولدا فاختنه» باشد، باز هم اینجا ما به این آیه می‌توانیم استناد کنیم. توضیح ذلک:

خداوند متعال در این آیه در مقام بیان اموری بوده که تبیین از آنها واجب و لازم بوده، «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» در واقع می‌خواهد بگوید تنها و تنها در صورتی تبیین واجب است که مخبر آن فاسق باشد. چون خداوند در این مقام بوده، پس می‌توانیم بگوییم در جایی که آورنده خبر عادل باشد تبیین واجب نیست. یعنی محقق خراسانی با تکیه بر اینکه منطوقا این آیه بر انحصار وجوب تبیین در صورت فاسق بودن مخبر دلالت دارد، پس وقتی مخبر فاسق نبود قهرا تبیین واجب نیست، این معنایش حجیت خبر عادل است.

البته محقق خراسانی در آخر می‌فرماید فتدبر امر به تدبر می‌کنند، از این فتدبرها و فتأمل‌ها در کفایه زیاد است، نوعا هم حمل بر این می‌شود که این حرف یک اشکالی دارد، یعنی خود محقق خراسانی با اینکه این را فرموده، اما می‌گوید فتدبر، اگر این امر به معنای تدبر نباشد و در مقام بیان یک اشکال باشد، می‌خواهد بگوید نه، چنین انحصاری از آیه استفاده نمی‌شود، از کجا شما می‌گوید «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» در مقام حصر وجوب تبیین در جایی است که فاسق خبری بیاورد؟ این انحصار از کجا استفاده می‌شود؟

این مطلبی است که محقق خراسانی در پاسخ به شیخ انصاری می‌فرماید منتهی معنای سخن ایشان این نیست که ایشان قبول دارد که این آیه مفهوم دارد، زیرا خود محقق خراسانی شروع می‌کند به بیان اشکالات دیگری نسبت به استدلال به مفهوم این آیه که بعدا می‌گوییم. ما فعلا در مقام نقل پاسخ محقق خراسانی به شیخ انصاری بودیم. محقق خراسانی می‌خواهد بگوید جناب شیخ انصاری این اشکال شما نمی‌تواند سد راه مفهوم شرط شود، اگر هم می‌خواهید مانعی برای مفهوم شرط درست کنیم باید از راه دیگری وارد شوید.

سوال:

استاد: این در فرضی است که ما مفهوم فسق و عدل را ضدان ندانیم و فرد ثالث را تصویر نکنیم. بله این محتمل است که حالت سوم را نیز ما تصویر کنیم بین این دو، این بر این مبنا است که ما حالت سوم اینجا تصویر نکنیم.

بررسی پاسخ محقق خراسانی

این مطلب محقق خراسانی توسط شاگردان با واسطه و بی واسطه ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. اعلام ثلاثه، محقق عراقی، محقق نایینی، محقق اصفهانی و هم چنین محقق بروجردی نسبت به این مطلب اظهار نظر کردند. بعضی حرف محقق خراسانی را قبول کردند و بعضی نیز قبول نکردند. بعد از آنها امام خمینی و محقق خویی نیز اظهار نظر کردند. چند تا اشکال اینجا مطرح شده است، ضمن اینکه بعضی حرف محقق خراسانی را قبول کردند. مثلا محقق بروجردی به نوعی نظر شیخ انصاری را قبول کرده و امام خمینی نیز به محقق خراسانی اشکال کردند^۱.

اشکال امام خمینی

امام خمینی می‌فرماید آنچه محقق خراسانی اینجا فرموده بر خلاف ظاهر آیه است. زیرا آیه می‌گوید اگر فاسق خبر آورد تبیین کنید، مفهوم این جمله این است که اگر فاسق خبر نیاورد تبیین لازم نیست، اگر فاسق خبر نیاورد لزوماً به این معنا نیست که حتماً یک خبری وجود دارد ولی مخبر آن غیر فاسق است، نه، آیه این را نمی‌خواهد بگوید، آیه فقط دارد می‌گوید اگر فاسق خبر آورد تبیین لازم نیست، ولی اگر فاسق خبر نیاورد آن طور که محقق خراسانی گفتند، یعنی حتماً خبر را یک نفر آورده ولی فاسق نیست، این معنا از آن استفاده نمی‌شود، زیرا محتمل است که اصلاً خبری در کار نباشد، پایه استدلال محقق خراسانی بر این استوار است که خبر حتماً موجود است لکن مخبر آن فاسق نیست. اما از آیه این فهمیده نمی‌شود. لذا می‌فرمایند این فرمایش بر خلاف ظاهر آیه است.

دیگران نیز مطلبی دارند که انشاء الله عرض می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۲۳۷.